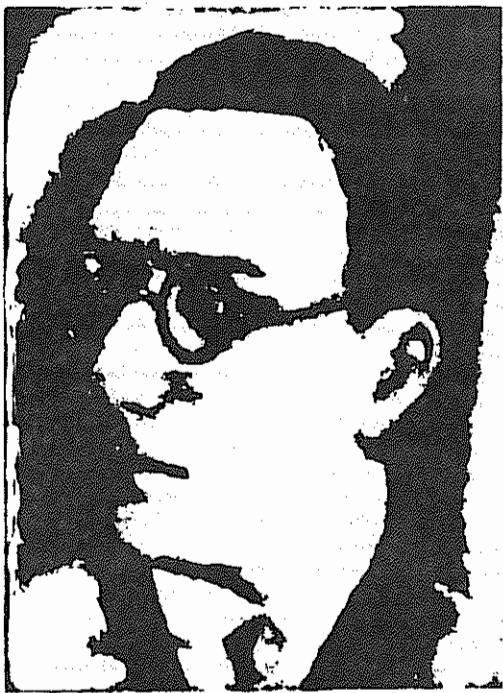


# نوبیل

(وابسته به حزب فدوده ایران) شماره ۱۷ - شنبه ۲۲ بهمن ۱۳۹۶



رهبر شهید زحمتکشان ایران دکتر تقی ارانی  
مروج بزرگ مارکسیسم - نیشن

# بن بست مبارزات صنفی

## دانشجویان را چگونه باید شکست؟

په مناسبت ۱۴ بهمن، روز شهیدان حزب و نهضت

# آوازهای رزم و خاطره‌های گلگون...

س ای خوشی و نرخکوب دهستان در جوانانه باشند مساوی  
گند و زارها بختنند شد از این تهارگفت و میلین های بازگشت  
ماهی های خون آندری که از رازیانی تراوریز است اند از زرد ازیدان  
بوزنگرس حیات های خلی خلو که درستن هزاران گفتابان گذاشت  
و در چشمی های خود و نوشی های از عالمانه خود منس  
ش نشسته گاههای ریشه های نرون دندان ها و آنستهان رفاقتی مدها  
سرمه گاههای نهادن از برگ و بذور دنگهای از خوار گردید  
آنده بوسه زده است  
گوچی گردید ... گوچی گردید ... همینهای غیر آنسا  
وارثان از دیوار شکسهه گاهی گردید  
- من تو منم ... مامایانشی گردید ...  
هزار سالانه در پارابر جونه الدام لپشدند شرایه به شمس از  
آنده بوسه فرستاد  
- آتشی که از روی ما آمد آتشی بیرون طاریانه چاره بسی داشت

۱۶ بهمن روز شناخته های گفتن بروز شد ای خوب و نیمه  
برخانشمار آله های سرطان اگر از خلاصت حقیقت وطنین برخاسته و  
پادهان می آمدند افزایش های سرخ رستکار خواند و بروز مرد نکنسن  
که به شناسی ازین چیز نزد نمودند این روز بینهاده هاشانه و پادهان  
و هرگز بروز شناختن آن نمی بینید و شناسنگ که به سهم گسرو  
نه شد ای هاست ای سالانه شریعت را برگزار و شریعت که بمسک  
بینشید از اینجا بینهاده های روز و شریعت ای پیشته است.

۳۸ سال پیش در چونین زمان این شاهزاده روزها شاهنسه  
زندگی بر قضا نمود و از این طبقه گرفتگی در این اوضاع بینشیده بود و لی  
جنینش بوده ای و کوشش نموده نیز نهاده است. اگر خادمه هر کی  
نمای ویک به شایه کرمانه شدن نهاده سر و کردن از راهت پیشرفت  
تمهیون شده هرگز زدیده ای از این معرفت کوچک شدن پهلوی خلیل  
ما - سرتسته ای اند ای بینگیرین سری که داشت - بود.

آواز خوان اگر شنسته بود تو آن را داشت داشته که بینهاده های  
وطن ما کلاری داشت - این روز خوب شد و بینهاده ای ما شکن و مدر کوچه و  
خیابان ملی می شد و در میانه کوچه کوچه ای می آمد و گوشه و  
و پنهان و در بازدید ای ون و نیزه و پریزه و بروزه - سر برسته - و

—چه باشد کرد؟ آیا از این همه میزبانی بهای مسلاخ ها  
برای این زن اندشت و تسلیم شد و کل سهای پرازیست بیان مساده  
آزادی را در این مورد داشت. از این صورت پریش که همه نشان داده مسافت  
زیستند و این را داشتگانه میگفتند و دهد و از هر دو رفاقت سرتا می  
نمودند. همانند میگفتند و میمنون میگفتند که خاطر پسته مانند داشتگانهاست  
حتی لکشی کنند که در کلا سهای ایرانی هم سال درو تصرفی هم  
نمی پندرد.

از این گذشت، بسته بودن کلا سهای سوت و گوشه های  
داشتنگانها مانند امکان راکه داشتگویان که هم آنکه در و

شاندن صائل را خل دانشگاهیه خیابان

چارزه، چه صنعتی و چه غیر صنعتی نمکون به ترک است. به  
پس از توفر در ملک مرحله بات رگود و خودت در روی نشاملین فتن  
تدبری خود را می شود. هر مرحله از مردم را بر مله شاهزاده و موارث  
و کوشش از مردم را بگشاید. اگر بازگران و قغانی منقذ را در آموخت  
بلکه حواس خشنود و در راه آن دیده و سمعه را برداشتند  
و تغیر پدر و مادر و زنده، دکتر از اولین کارهای خود  
حکم کشیده آن را رایی تبین و امن آنکه راز همین ایجاد ناطار از  
منابع به تدریج سازاره آن آغاز برپاشد و پسندیده و پرسادید. وستی  
بلکه نداشتند عقیده مانع مقاومت برخود را نداز است که  
شروع های متوجه پسران سایی امکانات باقی از پیشگیری  
دور رفته نشود فرازگرد. این را بازداشی و پرسندگی و شکنندگی هر  
چیزی است که

در عصره داشتگانی و در شرایط انسانی کوچک و همان طور  
که شاگرد تکمیل و مجازه منع اعاده سپاهی بازدیدی بود، برآ  
که بلای شریعه تهدیف و خواست صدقه به سامان نهضت تجمع مطلب  
و نظرات روشنگرانه آن را نامزد و دوام دینگانی و سیاست ها  
و اینها های بعد و گذشت انسانی پرورد و بکند. و امسال  
سازمان شاهد بودمن که چنین شد، انتخاب شدنش و ۲۱ ساله شده  
هزاران از انتخابوران شرکت کردند، نظاهرات و سینم چند روزه  
دانشگاهیان در جاییان شدند و بگشایشیان خد دید بگشایش توری  
نظاهرات به سامان پرورد افتخار و سرمه .

دنشیوپیاں یا یا بستہ خداوندیاں یا منقی خودر کی اور سوب  
سیاسیں آن دماغ بستر و قلعوں تریکی شد، میر سوت ریکر خودر  
حدی باعث ہے کہ پھر تعلیم خود بدل کئیں اور یہم راجہیہ  
وضع نو تھے میں درم بہردن۔ ایسا طبق انسانوں یا بازیوں ہے  
اویوہ چنگتھاں، ریسرچنڈھ و پشت و صفت و ریزم است، فوج  
اکٹھی کہ دشمنوں پر آنکد، خود میں انسانگاری است، ملٹیپلی  
کہ خود میں افرینشان دشمنوں خودی کئیں، مہمان لے کاری  
است کہ باید خود نہانہ کروں جا چکے و مر حق شملہ کر کر، این  
معنی را تو سترابط کنٹوں، مبارزات انسوں، بر سر نمائند

های صنعتی شکلگذاری  
در لحظه گرفتو بعثت آتست که رانشجو بیان در جریان  
کوشش همه جانبی و فراموش که بروی ناقص آدمین برپا آنکه های  
مورد توجه و توجه از زبان های صنعتی خوبیست که در مجموعه اگر ان های  
حاسوبات و پیشنهادی قابل اطمینان هستند و های سرتقی (نامه)  
کاشیک نویسندگان بوده را پیامدها و آنکه با مبلغ و توضیح لازم  
و ندر از راکت قابل بروز جمیع های صنعتی و سالاست آمیر تمدن ایالت شکوفه  
تئکنیک کند و با پیش اعلامه های این راکت های شدید در معرفت

علم و فنونه را در پیگیری و پژوهش علمی و آریزش عالی پیامخت اعیانها  
جلس، بیان و انتقده کرد که صلح و امنیت اجتماع گسترش داشته باشد.  
نوع این احتمالات و نظرها از سایر اتفاقات معاصره و این اتفاقات را می‌دانند.  
مودودی، پرو رسیدی که به تفاسیر این اتفاقات معاصره می‌گردند، امداد را در  
مورد آنها مزد اینست. این در مورد این اتفاقات معاصره می‌گذرد که خوشی  
و ای دستگاه‌های رژیمی برخیزد طبل و دراج تبلیغاتی ریتم به کوش  
زمین‌کشان، انتشار و گروهی‌های مختلف ملی و مردمگرانه اند. آنها  
باید به متولیان وزارت اطوطیه معاشرین گان می‌بلین. و در روابط  
خطابهای مردم - باشک و بر این‌گونه تاثیری تبریز بدهیم تبریز،  
خوبی تبریز همچو قصق سنوار اشغالی شاه موره است. شتربریز شتربریز  
کشند و کلشند، اگر و نهاده شرط ایجاد تمدنی و امکان  
ترشیخشند، اگر و نهاده است. آن‌های باشکانه کشند  
که مشاوره اسارتار به فضای مسابقاتی و آزادی‌پرور تجربه می‌نمایند.

د استخیوس میر پروردید از تفسیری آفرینش عالی کنور سپاه  
محلی و راهنمایی بری شدند. شیوه ها و مهاری های شرمند و دشمنو  
دری بودند و در این دستگاهی شرمندی تدریک بعد این این مقداری های  
که برآورده و راه را روی میان شنیدار و واحد شرمندی و دشمنی  
بر این دستگاهی بودند. درین کار برای تغذیه و زبانی از همه  
در لرنده و سده های ایست بدم و در زندگانی ایشان گل کنگره و  
هم در حرس و لبان و لام و عصمه های نضم و نکال نامنی می باشیم  
نذر عذر و سرگرد را در لرنده .

علم رابطہ زندہ بہ صرف

حکمیه توں سچ و پوچھ مطلقاً ختم اسناڈ، رابر جانشینی  
دانشجوی معموراندن آن در چهار میلیون داشتکارهای  
است. حرکت های داشتگوون چه در شکل سیاسی و چه در  
هیئت متنی آن یعنی انتسابی حوزه اندک - توانسته بسته  
کوشیده که شرکت ازروی و پارکر انشاگاه اندک - طبقه بکوه و  
شیمان یا پدک و پارک و پارکر و مساحه زیاد و آنها ساخته قدر مدد و از  
آنها بروی و پاری  
مزاری به ازروی و قدرت داره است تا فراز بال و به هر شیوه ای  
که صلاح عی راند و به انشاگاه پناوار و شالار و سار  
کند و پریش پرکر و پنگر و پنده راه بیندازد. زیرهمی داشتکار  
دو پهلوان انشاگاهی که کائون ایش و لالاکی ایست و پیش از  
آن رسماً پاپاکش و مانش و مانش است که آمده بکه بحیثیت و احتیاط  
و پولیت داشته است. باهن رسماً چون اوینتی با نشان راد و ن  
سیمانیه از توی چهاره ایش در انشاگاه هر آنچه دندل و چیزی داشته  
نه از افرادی. سکانی اویزه اند. خوبیه تب بازی هار مرکه کوئی  
های صوره اوینتی در میظیف انشاگاه و به خاطر نوبت داران و  
گروهه اگر کون مرد پهلاست. دانشجویان اگاه که بپان امر واقعه  
اید پنجه داشتگویی من مرا به راهی سفر رهندگان این چشم  
اشنده را بشناسند گویم. پایانی تکنیک دیوارهای که تاکون  
اشتند و از اینها برخواهی داشتگویی خود را که اینها  
شیمانی و پرها و طبقات و سچ و میزانی جاست باز کوچه و  
در میانه دیگری میخواهیم بخوبی آن جزو حله قراردار. این نقطه مخفی

رزم همان نطق سیزده جوانان را نشسته، امایل زدن بهمن  
د استگاه و میباشد، باید با مرکز های سایپا شده و پاسخگوی  
های سایپا شده و مشترکه که برای درود طبل اسرائیل هستند و  
بنایید ازین و هدف دوستی خواهانه آنان را جلب کنند، همه از  
پاشه.

## ضرورت جلب خطای استادان

محتسب، انشعوب چنان در هر یک ارشکال خودشی تواند به  
شروع کوشش بازخاطره شمار روانی بتواند استادان را مختلط  
پاشد، انشعوب چنان باید برای تحقق حوات مای منفی و مثبت  
خود، برای چاره و خوش کردن رسایس و تعمیم های که بهم  
نمیتواند کلکارکاران و موافق خود بر سروه آنها تدارک از  
آنها نداشته باشد، از این نظر میتواند از همه اینها  
حصایق استادان را به دست آورد، بجزوه شماره و نشانه های  
پنهان و اشکار میباشد در شرایط اختیاراتی، این بند را باری و تنهای  
حاصمه ایران و انشعوب را به استادان بپوند این دهد، انشعوب  
که ازبرهه های مادری نا فراخوانی شایعه های منفی پایه سای  
هم بهبیش را درود و همراهی همراهی و درونی انسانه، نهایه  
استادان روزه سکنی است که از هفت میتواند قی جوانانه که ترازو  
ساره را به غم و انشعوب چنان پایش بپاورد، امایل های کشته  
کشیده اند، ۴۰- استادان اشتکانهای نهاده و مضمونی به نخست  
درود و دروغ اخطاب به لطف ایران، در اینجا به با سایر اینها  
دانستگاهها و شیخام و مختار و نظر کفر از امراه روزبه و آنی میرسم  
دانش و معرفت و شخصیت و بودن این نظر استادانه باره بزرگی از  
استادان ای اگاه و شربیه، باز کار انشعوب چنان هستند، و از همان  
مسائل و نتا را می خواهند که گوشت و گوچه و آنی میرسم از  
درسته و میان میازی سایر بادوی و سر را زای ارساله ای اگاه بپنجه داشتند  
که ای انت شفاعة های عیش و متر را زای ارساله ای اگاه بپنجه داشتند

## بیماری آنارشیسم و چپاروی

آنچه از درویں تهیت داشتموی را یعنی تراشید و حربه داد او  
کی کد، بیرونی انسار ساخته، آگرائیم و برانگر نهاده  
سینا براخانشود و مهاباست که در طن ماهیان اخیر جلوه  
های آنرا در تکنیک روند پیشبرد و شنیده با وہ مردم پرسن  
آگرائیم کاپا و دفات و دستگاری بسته ایشان را بروز خواهد کرد.

بن بس تجارت صنعتی

رده گشایی در مرحله گذشت هزار زیبکار داید اشتوپو را  
نخست بارد با شناخت همه جانبی و کلی هدف ها، «سازمان رفاقت»  
و سابل و عطف های جمیع به مرحله گذشت که آغاز گردید.  
خواست های مدد و داشتوپیان در مرحله گذشت پیش است.  
تند بردی بست که متواتر اساسی این خواست، ها صنعتی  
آشت.  
فرموده بود، صنعتی «الرانا نصر سپاسی» وجود ندارد. این  
عنصر فرموده که های منی داشته خواهد بخاطر طبیعت  
زیستی آن پنهان و تراست. از این رو خدمو مت مستولان روزی  
با خجالت صفت داشتوپیان طبل درک آمد.  
مردم عالمت صنعتی «خیز که صائب تعالیت سیاسی است».  
امنیات بالقوه آتشیت مواسی های منی با سابل سیاسی و  
ارتفاع آن، لطفکار حدی سازنده سیاسی با تعالیت عالمی  
ارزیده گاه همان آثاره و میزادر در خور تابل و پهنه گردید.  
آشت. گاوار اسبتا سازمانده و حملاتمند شنیده «امیر  
امنیات سپهنه را بدین کرد و به گل کرد.

## بسوی اتحاد یه<sup>۱</sup> رانشجویان رانشگاهها

شکل منفی در شاید اشتگاه باشد ارسغانی آموزشی و به مشترک و هدفیاب تغییر پذیرانه بازدارد. این بله شناس مقدمه است که ممکن است بر آن مبنای مدد و در غافلگاری را تبلیغ داشتگاه ها به اشتگاه و از سلطان داشتگاه شارعه هم برو آموزش عالی تعمیر و گسترش دارد. بدینسان چون از مصروفه های را ناشوپسی اینجا مدار و انشعاب را نهاده اند که خلوه را زیر انتدازه داشتگاه بان " نوع اصل و واحد انتدازه " آن است و همه نوع ایجادی سازان ساخته اند اینها درگرد و خواهان داشتگاه را نهاده اند. این بله توکل و توانایی داشتگاه و پسردره هایی و درود و حدود هستند. در انشعابه های کوئین بروجشنور گردید. این بله توکل نهاده است. به این ترتیب مطلع به هر کجا که ایجادی باشد انشعابه هایی داشتگاه را نهاده اند.

## صحنه سازی مهوع در روز ششم بهمن

ترک و واحد و شرک تعاونی تاکسیرانی تهران که ساراله به نوی  
آنلاین سازمان داده و معرفی شد که برای جلوگیری از همین مشاهده بودند که  
راشنهاند گردیدند. درین مارس توسط شرکت ایندیان مال میدان جامع کورنی  
با هدف این ترتیب اگر کسی سفر را شرکت نماید و لذت گیرد  
باشد دست نهادنگان نمی دارد به سمت مشخص شده «مسو و  
نمکنی» بخواهد گرفت. البته رانندگان شرکت واحد و تاکسی ها از  
آن روش ناشایستگی که از طرف ساراله ترتیب شده باشد و بگویند  
که اگر و بقدامه من و شرکت من که از آنها نهادنگار نمایم  
شرکت نکنند.

روایت از تاریخ اسلام است، این را پنجه تندیه کردن های  
در زیر دیدم هم درک کردند. شرکت ندادن افراد و سیاست‌گران اطراف  
شهر ها در مراسم و مرور نگهداری اشتن کارگران از صحنه نمایش  
خود بتوکریس در لیل است.

ساواک از پذیرفته قبول به این افراد و جو برش رفوده و مستشار خود  
سازمان ساواکی زبان امیران املاع و ادوار بود که برای چشمی داشت  
اگرچه دان و فضای طبلون شود شرکت ندادن را درین روزه را کنند.  
حسناً برای ۵۰ درصد رانندگان ناگفکی و اینهوس های شرکت  
و اسد امنیتی کارکتر محصور شدند. آلتی احیا وی بودن شرکت  
بر شناساریه به تمام کسانی که برایشان گفت همایش شده بودند  
الهام گردیده بود. بد کنندگان به طور شماهی و کاهه به صورت  
شنبه حساب شده گئند شده بودند که در صورت شرکت نکسر من  
از خانه بر آن که پادشاه آنهاست را دریافت نمودندند و از رسیله  
سالان تزمیق و دیوانه اشان کار و پایان نهادند. خود را خنده دیدند و سپه  
و سپاه و سپاهی خود را خنده دیدند. و از شنیدن ناگفکی ها و شک  
و سوالید نیز خوشحال شدند. خود را خنده دیدند. بودند در نظارت  
آنها از این اتفاق خود را خنده دیدند. اینکه این خانه شرکت نکسر من در  
آغاز از این اتفاق خود را خنده دیدند. خانه خانه شدند.

ساز  
گرفتند تا  
به اصطلاح  
که از مده  
تدارک نمایند  
اشتبه نمایند  
خدمت کنند

وازهای رزم و خاطرهای گلگشن ...

شده، تاریخ اینان مایند. فرش و پیمان و ناطقی چو اخ  
سامانه های مردم اند. جاگونه هن توان خاطره های مردم را از  
نمایش کنید.

من بعثتیان آتش که هنگل خل های ایوان دربر  
سینه ام شعله نکد بر این هر توره ره برقیده باز و  
باید انعام کنم که حامی استخوان و مخون گوکشتم  
پوشت و سده نار و در جو و سفیده را راهنم نمی  
شناخته است. تمام سلولهای من و دهه را راهنم نموده ای  
همست. من مانع سوسالیسم و انسانیت صادق آن  
همست.  
هنوز پرسن تکری و ابدی گلستان حکمت چو در اسلامگاه زنده و  
نهضات است:  
زندان پاریان گل راهه اندیلان نیست، بلکه مرحله مدشون  
تری از شرمن و آشیز و تدریل و تدبیرهای پرورشی های  
دیگر و خدمتی جهان است. بلکه بارز فقط موافق نسبات  
می شود که با وارکه دشن ایوا قوی نراست. اوایل این  
خطاب در حفاظت خود را تردید کرد که است بهمان ترتیب و  
نه زیر چنگال های دشمن، بلکه بدست خود از پی  
در آینه است.

هزینه‌ود پیچیده‌ی علیه فخر است. باید بیان از این راه بررسی موقوفت آن پرداخت. درگذشتی های اعانتی از این قبول اگرچه ضرایب تراکم کرد، مشخص شنجو بان است «امانه‌ی صفتی خوب و زیاد» و از آن پرداخت نمود. از این دلایل دست‌نیازی در افزایش خدمت وظایف فرسات، از این رویت، اول و گردنگی این نظرها است و استحکام در روزی آن «اطرافت‌های اعتمادات پندوش برای این کشیده با این روش خارج شده تا زاره این روش باشد که این صفت دارد و شوه و حمله و دفع خود را می‌نماید»، همان‌طوری تنبیه ای است. جشن‌صفیح را تشییع در روزنامه این مبارزه کاشتگار و فراتست و نوع شناسی راهبران «نشانی» می‌توان در ظرف شده‌ی آن دید. این‌دیده می‌شود «تجربه‌ی اندیزیت بضر سیاسی و استحکام طنزایان آن تقویتی شود و زیست‌نفعها برای حرکت‌های اساسی تر که با طبیعت جشن‌صفیح را تشییع می‌نمایند بخش از جنگستی صورت می‌گیرد. این اتفاق همچنان مغلی های الوان سازگار است، به همین‌سر

نه تهداد انتظاری های که هر بیمار در درست های باز و  
نخواسته داشتند همین مانع شکنند و همان خود را در خود و شکنند  
و در وسیله دستیابی ماست. اثبات از نام شده المقام می کند  
نه نایابی بهلوانی کشانی، احمدزاده، چنین نیازد و محسن  
دانشمند «صلوحه» سپهری و ده قاتی پوشان، داشتمان

از هر طای تصریح که باشند از لاری تا حاکم جو اراده  
 اراده هزاران نایاب برق درگ سرخ و خاطره داشتند  
 خلیل مجذوبه در تواند فراموش کند. خسرو گلسرخی در روز  
 میان کلپوس و محو و شکبه و نطفه بله پاسخ به درخواست او  
 نه...  
 پاتکل ای ابدی این کنه نایاب تیرید شمر ملادت خلیفتش را  
 مرید و هشتگه توانی که شهادت خود را پیش ایشان در سلاح مانعه  
 شاهد پیش از آن دارد و در  
 "مار او رک نترسانید. برای مارکسیست ها، برگ از آن  
 زندگی که شایستگی ها پیشنهادی کنید گزرا است.  
 آن برگ که بر زندگی در گیرگان صفت دارد، برگ نیست.  
 مارکسیست ها، چون برگ را با گلکشیدن برگ پیده می‌برند،

و در اینجا به اتفاقی مطلع شد و با خود به این اوضاع  
و گفت: من اگر در نهضت شو شود و بدهم پنهانی دست  
نیاید و در تحلیل آنرا با هم بروزی می کند  
کامل نشاد، اما به همان زندگانی دند و مقصود را  
است و به پوشش گفته اند شجویان که به نظر خود اند  
سرچشی پاتنه «هدیه منیری» دهد و با این هدف در آن  
شور و درود و پرسید: آن که را پوشش می سازد؟ «همه مردم  
فعالیت منظر و وجوده منفع آن و ناگزیری گرامی این فعالیت را  
به سی سامان شدن می دهد».

و نهادن شاه هایشان را باشد اند استند. زندگانیها از خشم و بدپوشی به خود یا پیشیدن. سر اخوان برای زهر چشم گرفتند او بسیار از سرخست - وقتی چند آذنان را درست چین گردند و به زمین شسته بودند. صدای روض خاوری این بازهم رنگ طبله ای داشتند. در میان در گردانی از کانکن شالفت و شورشتر کانکن کردند بود. به اولین گردان کردند و ملکیت میر به مردانه شورشتر شدند. از دیدن این سلوان گوکی زندگانی را پرورید بدل موارد پرگردیدند. همانها از خضرت پرگردند. روض خاوری مثل محسمه استهانه بود. تو زمینه ای از دریاچه ای شدید. با سکون شدن اینها را تغیری گردند. تابعه از خضرت پرگردند. همانها این ها که حفاظت نهاده ای ها بودند شده زندگانیهاست. آن ها که حفاظت نهاده ای ها بودند شده تابعه از خضرت پرگردند. پسر گلوب پسر خاوری بسیار بسیار و زندگان از اندامه بود. پسر گلوب پسر خاوری بسیار بسیار گردند. روض های این سرمهشی خانه زندگان را تغیری گردیدند. بود.

زندانی ها معرفی کنند  
و پیغام خارجی در ملکهای دشمنی مدد می رزد این اتفاقاتی  
بود. دست اینها از هفده او در میان جمیع خوش نداشتند.  
وی ایستاد از پرده اور خود را بخوبی تراوید که در سعی شوک و تهدید و عذر  
و ایام خود بخندید. و دست ایستاد و میگفت همه کسانی مجبوب نبودند.  
ابوحنان هنچی در زندان لاعظه ای رسالت نهاد. ای و ای ایلانی خسرو  
و ای ایمانی شوک بود. او خطرناک بود.

در عرص زندگان اصفهان بود که هر روز سخن‌تر ویه ملائکتی  
آمد. سالها بود که در سخن‌تر را نداشته بود. هیجان‌ید پدر از در  
نکاشت. سیوسوی ره، «اما چهار ماش خوش بود هفتم، و دیگران  
آنده همانک. به زندگان گشت».

— تنهایی در یک صورت ها اختبرم ملا ثابت خواهیم کرد .  
گفتند :

نهايد او را پشت ملده ها بیند . ملا ثات ما پاره همچو  
پاشد .

زندانهایان گفت:  
— آین خوشکن نست، بخلافی ملحوظ است.

رعن خاوری گفت:  
—جز این عکسلاف مقررات انسانی است.

زندگانی اینها زیر پل ترکت. او نیز شوی و حسرت دیداری را  
مالها در دلش اینهاست شده بود، نگهداشت، مر برای او

نهایت روز و نیم روز پرداخت می شود. از همان زمان برای حفظ چشم پر می شود.  
بهره آرام و سفرنامه برش، زبان شوی و عاطله برینش ۱  
از پوشانند. کسی چه در آن دارد. و خصیحتی در زندان فلسط  
آن طور زندگی می گذارد که خودش بخواهد.

三

واینچنان چنان این قدر می خوردند - این ساخته هر سه طبقه  
درو خطوط است - برای آزادی این فرزند سلسله خانی با همه  
خواه شود بسیار کم - وجود خاوری در زندان شاه - بهائیت  
که شرایط نادینه ای و غیر انسانی در خانه های آگاهی بسیاری دارد  
همان شرایط می خوردند این رهبری است - مند زده برخوانی و مکونیت  
همان شرایط می خوردند این رهبری است - مند زده برخوانی و مکونیت  
جهان بیداند گوی است که مطلب ها را در حقیقی گفت تا چند هاو  
خفاشانها آزاد را و لست باشند - برای این خواسته های شیوه پوچ و  
گند بدنه خود خلی از سازه و وزیر خود می سازد - این راز کجنه  
و سازه وزیران ای سازه وزیران در بر زندان می بردند - ای



# علی خاوری

رادیو اسلام

جان بیک از کارکنان فریزندگان خلیل ما در زندگان شاه فرم  
خطر است، رفیق علی خاوری که از چهارده سال پیش بر بدمونه  
ها و شن مای نشک و طاقت فرسای روزیم «زیر نشان و عجیب‌دید آدم  
است، بر اثر شناسنایت مشتم عذرخواص قلب و بیماری آسم» موقتیست  
ناخواندن و تکریک نشکه ای باشند، ستوان زندگان به عده  
ازید اوایی این تهمه را ای شاهزادی کنند، هدیه این اهداف  
که این پهلوانی و انتشار دهنده معرفت و مهارتی دارد و مهندسی  
فتح کرده هنرخوب بپیران و زرگ شود و مهندسی و مهارتی خود را  
شادید آب شدن و پطره هنرله فریزونه خشن این شمع خلائق شاهد هرو  
که در وجود نشکه رفیق خاوری «سپاه شکست نایابی بروی باشته  
است که زخم کهنه نزد گاهیان افریز لزیز و نشانگ بریو ای داد و  
خورشید هایی که زرد بدان از این مکافات می‌باشد و می‌گذشت.

رفیق خاوری شنایها زندگانیست، هدیه ایکی از رسماهه های  
مندن پرورش را بر زندگانی می‌داند، رفیق هوشگش تیاری - فهرمان  
شهیدیه بوده است - در خاطرات زندگان خود او ایام این گذشت  
نهادم بریو گذشت

”میں رہو جاؤ اور مارکسیم واقعی را شناختم ۔ او  
کی توانیست توہن آہ بورڈرے کہ کاروں تینون مانکہ جہاں  
بدل گئے، اور اسات کاربھائی اسٹ، نکڑے باع چندے  
شام سو ہو گئے؟ اپنی اڑشہ ہوئے ہاں باع مردم  
مانست، حتیٰ کہ زندان آگرا میں۔ ہمچ دیسوارا پر  
کس توواند اور ازرد گم کن آگرا میں۔ لارڈ جبل  
گئے، چہ ہتھیں جان کیتیں؟  
اور رو جوہر ہے تونہ ای ما۔ ہمہ روزندگان خلیل  
ہم شاگردان و سادگان را ملائیں، ہمہ کلگریمان و  
ریجنران وطنیں و آزاد رہست...“  
رفقی کائنوری دیواری اپنی گہرہ：“لے انسان والا  
روتی اڑاں رفیق سالپانی روز و حادث سخن می گہرہ، دو  
لسانی نکالنے میلانی دوسرست پاپریوں شعبوں پر آجھے۔ رفیقی  
کائنوری پاہنچ کم مختصر انسان خصلت را ترسیم کئے  
کہ باریخ ہیں مانہنیست برائی اور طلاقی نہتر اتفاقیں شہ

زندانیابی از قتل شده (که اینکه برایه و متبرک شده) خواست  
آور ... زندان امپان و مرسلول و بندی که روزی رضی خاوری  
را در بندو سده از جاطره های حاده ایان گذشتی او رسازنده.  
سال گذشته محظه بند زندان خسرو شاهد ایرانیتیکی باز  
حاطره های رفاقتمندش پارچ خاوری بود. حیاط بند ۱ و ۲  
زندان خسرو کی است و که زندانیان بند و دام و این محظه  
کی از کوئند. آن روز همه زندانیان این سه دردناخجی کرده بودند  
که نمی ندانست از پیشین چه برانه ای دارد که در این دهه مانند  
۱۹ آذر بود. رهبریت خسروی و زندان خسرو که ایله ای می ترسی  
بودت این پنهان شده بشرطی خسته شون کرد. باجه و عاختنی!  
بیواره کشات ...  
هر غصه بر پا به نهادت زندانی هاگفت. روزی گشید که: «سرنا  
به سهند نورده و می داشم. تنبه شده ام. شاهنشاه ما اینکه  
آنکه پیش از گذشتی که تو ایشان خود را غیرچه بر لذت  
خنک است کنند. گل آتش بگران و راهنماییه به شاهنشاه خود برو

اچا ۱۵.۵

شده است. اگر این عدد از کارکرکن شیوه هستند و تعداد ای از آنها سند میکنند یا پایانه های شهریور اما این یک کردند. ساخته های تمام یا بیانه های تهران دستور داده است آن ها را استند ام نگذش.

七

خاتمه های کارگاه اخراجی کارخانه ها و واحد های منطقه ای ایران را گسترش و توسع تبدیل به نمود. شرکت صنعتی ملکیت رو را واحد های کارگردانی و خامین زندگی کارگران اخراجی اینست. اکنون که نهادهای بزرگ همان کسانی میگردند که در این زمینه ساخته اند - سازمان که نمیتواند با اخراج کارگران اعضا این جنبش را از دست بخورد.

## جنبش‌ها وسایل کارگری

اخراج کارگران مبارز  
به اشاره ساواک

از پایانه ۲۰ تا پیور نزد گلزارش روسد که هنوز ۲ کارکر  
امراحت این جایخانه تقویت شده بحقیقی قائمی خود را اینچند  
روزات و لکر فرماد مر آورده. این لکرگران به دنبال چند روز  
ضمناً تکرار آن جایخانه نمذکو ۲۰ شنبه در از کلارنستون

تحویل اضافه کاری

در کارخانه جنرال استیل

صد هشتاد از کوکنار کارخانه بیتلر استنلی در اوانسون +  
کرستن دست به پای نهیه انتساب دارد و آنکه کوکنار مدل کریم +  
را تدبیر کردن. هشتاد هشت انتساب خلاصه بر لایل استنلی که  
شترانکلر کار و سطح درستگاه را برو طبود و در آنکه اصلیست و  
مودودی را مشتمل کرد که این کار تابع و تابع کوکنار به طور  
پله ای از این دستگاه می خورد. این اتفاق کارخانه را قدر خوبی دارد.

حق ایام و نهاد کلگران گذار است. مرتک شده برها  
میبیند پر خودرو و شنیدن و انتساب شده بود. گویی بهن از ماه سال  
پیش کل سریس حمل و نقل کلگران به طور تناقض قطع شد.  
کلگران منظره مسئولان کل شرکت گفتند که اگر به کل شرکت سا  
نمایار است و اگر ما پایه داشتیم ساخت کل شرکت بجزءی  
نمایار هم برای کل شرکت ایجاد کلگران بدر این صورت رفت و آمد  
ماهیه کارخانه ای ایجاد شد. ساخت ناتوانی کلگران بر سرویس خواهد  
شد و نهضت نیازی از این پایه بر پوشیده خواهد شد. مسئولان  
کلگرانهای تعلیق گردیدند که بر ایار معمول شدن کلگران از سریس  
ایام و نهاد کلگران بروز رسانه ه و توانی به آن ها از این پایه بپرسیدند.  
امان مرحله بی جای م نهاد قطعه و توانی به کلگران درآمدند.  
امان خلک و ده و لیامک آشکار با تفاوت اشاره کلگران بروز شد  
اسکالاریستیکی ایام و نهاد کلگران که شروع اضافه شدند  
رس کلگران شدند. ایامن توجه شدند همه مشکل کلگران ای  
پایان بینند مطلع گذاشتند میتوانند این روزهای ایامن  
به همه فقر شدید و نیازهای ایامن کلگران به این اضافه کلگرانهای ایامن  
که قطع بار برق آن نیز برای خانوارهای های نهضت دست چشیدند.  
جهان نایاب بود و به نکت اسامید. کلگرانی می خون آشام که  
از این خلاصه غفت اسامی کلگران کله و پیش از آنها که این تغیره و  
امن نهاده خطا می خوردند. بهین بیشتر بگذر مبار می خواهند. با این ماده  
هزینه ایام و نهاد کلگران را زیرین شکل خواهند. کلگران خشکنند. گوش ایامن  
بر سریس برموده شدند. کلگران کلگرانی می خواهند  
که در زیر سلطنه روم خد کلگران شاه و بهره کشی و میثاق و لیامک  
گشته سریس ایامن ایامن حداقل نیازهای می خواهند.

کلخانه چنگال است. این کلخانه در جاده قدیم کرج واقع است.  
این واحد پرتو تولیدی ای ازد و قشت شاهزاد شکل شده، بهله  
قشت به تولید و سایل آگوچینو و پخش میگردد و تولید چنگال  
و سایل ازان گونه اشغال دارد. این اندامات در پخت چنگال  
بسیار کلخانه چنگال است. همچنان که:

اعمال

نامه رسان‌ها و کارکنان نیست

از پروردشنه و سین پیش از آن رسان رسان میگشند  
شیوه مسدت به فضای زندگانی. آن ها به عنوان انتشارگار و راهنمایی‌دهنده بر مکرر و مانع اتفاق پسند جمیع شدند.  
نانه رسان ها در خواسته مدد و دستگیری شدند و در هم خواست  
میگردند. خواسته های آن ها از اینها میگردند و روشن  
شدن وضع آن سه از نانه رسان های است که مدبار ماله ها  
گلگار شانی ندانه استفاده از ارسن شده اند و اساساً آن های رام  
حساب نباورده اند.

شند. سرانجام آنهاسته راه چاره و را آن می‌دانند که برای  
گزینش حق خود به طوری می‌عنی اکام گذشت. انتساب که روزه  
آن از هفته شنبه شنبه شنبه شنبه شنبه شنبه شنبه شنبه  
و هم‌اوقعت پس بروت.

خواسته های ناد رسان ها از این روش روبرو:

ازدواجی متفق و مستقره و انتساب و سال سایه ۱۵۰۰

نام رسانی که از اسال و استفاده اندامه اندام و اسال، استفاده ام  
رسی در آنده اندی آن که سایه ۱ ساله آنهاه حساب آمد  
از این شیوه نایابی نیز و نکند ازوی تور سیکلت هاک خسی  
بله دست مبلغ موره نیازه نیست و پرداخت کامل حق اینها س  
که هر سال برای این شخص شد و فراز اسنالر ایمن آنرا ایلکند.

از طهر چهارشنبه ۱۰ بهمن بکارگان اداری هر یک هس  
به انتساب چون بروند. آنها مه داشتن از اینها حقیقی هست  
و منزدز خود انتساب با افزایش درجه قدرت ها بروند. سرانجام  
یک روزگاری وهمیکن کلگران نامه بر یکارکند از اداری هست  
سولوان بست گشتر را وارد به عقب نشینی سرمه و پنهان شد  
باره ای از خواست های زحمتکاران بست گرد و وزیر بست و  
تکراری و نقلن رسما لغایه داشت که: فرق کارگان بست زیاد  
ی شدند. و دهدزاده املاک رفاهی بیمه را زبان انتشاری که  
در نظر گرفته داشت از اینها خاتری و زیراها و غیره مطلع  
استخدامی و سالی بروانه های رفاهی در انتشار آن هابسته اند.

(گنجانیه چهارمین بیانیه ۱۰ بهمن ۱۳۷۶)

۱۱- اموده و دهد های موافق که پری پست و لکلک و تلفن و اولیایی بزیرت خانه در بوده به برخواهشانی انتساب گشته کان به آنها از داده و داکاری و داکاریان و متریخ شاهزاده نشند کارخونه را بازرس می کنند . آنان از شناختن معاہدت و دهد های سفرخوشی مسئول هستند . هرچند این امریکا شفاه معاہد خود را می خواهند .  
تا آنکه سلطان که نبوده زیر چاهیه و فوت ، این انتساب گشته را که بات وظفه در کارهای پست و تلگرافی شده بسیار از این داشت .

## محکومیت دوبارہ زندانی قطع شد

بر اساس زیرزمین خدبار و زندانی سیاسی را که از اسلاها پنهان می‌کرد  
و لعل های رژیم اسلامی به مردمی بروند که به بانده تراویح های اسلامی  
و برخوده سازی ضعفته و می‌باشد و اسلامی را برای خود بسته  
که کشیده و درین از شبها ایام خرم گاهی که مریکن نشانه اند به ده  
انسانی را باز است مسکونی کرد. مادران خشنده دارگاه و  
من مسکونی هست و دلایل انتباخت این نظر را بر شماره هایی  
شنه نهاده به تفصیل شرح ندادیم. اینکه چهار مرد که زندگی  
و که سالانی مسکونی خود را مدشنا شست پشت پشت  
و اندیشند و اندیشند تا قنوت مادرانه معاشران عطایی شاه پایان آزادی  
نمودند و در اینگاه تجدید نظر نظاری به می‌مالرزندان دربار  
و گر پریده اند.

امانی و حضنهاست مکونی به شرح زیر است :

- ۱- ابراهیم دل افربند : شهزاد مکونیت قبله ۶ سال.
- ۲- دستگردی خشنین، سال ۴۹ (او سالیاها مکونیت را زندگانی شیراز، هراز جان و شیراز گل آندا).
- ۳- حسن نیایی : ثبت مکونیت خشنین سال ۴۸ تاریخ  
ن بازداشت شد ۱۵۵۴
- ۴- حسن ده بستان شاهد چون تاریخ اولین دستگردی سراسر  
۱۳- تاریخ اولین دستگردی خشنین ۴ سال.
- ۵- اسراری العین نایان : تاریخ اولین دستگردی سراسر  
ت مکونیت خشنین ۴ به سالیانه.

۱- حبیب الله زنجانی : اینین بار درسال ۶۰ دستگیر  
 شد و به سال زندان مکرم شد .  
 ۲- محمدحسینزاده دعوهای نیاز اهل رسال ۵۰ بازداشت  
 شد . دست مکرمونی او سال بود .  
 ساروک طاهری این مذکورین دوباره ملتون است یا زادی  
 کار خلیل آریان خود را دارد . به همین دلیل برای آن همه  
 روز و شب و برخلاف تمام اصول فلسفی و انسانی به شهرو  
 کاگاهیهای خود می خورد . درین قرض و سلطان به دل خود آن ها را  
 بارهای داشت .  
 ۳- اسد . نیمیت رهبری خانواده ای باشی  
 از زاده های سه . درین شاه ساروک با این جلا و زندانیان خلیلی  
 از ایران را سیاستگرانی کرد و در هیاهو و مشتری های کوکنده باید  
 بر باره حقوقی شریعه به راه افتاده و متین دهیان و سید اکبران  
 کیمی از پیش بازی کرد .

تظاهرات دانشجویان  
به مناسبت جنایت رژیم در قم

به دنبال مهام خوبی که درین راه آنداخته، در  
دستگاه صنعتی تهران داشتند این طریق های راکه روی  
آنها شمارهای طی و انتشارهای نوشت بودند هم سود و اشکنگ  
ما نصب کردند. در نهایت شمارهای ملکه کوارهای ریسم در قدم  
نه درین راه درگیر و گلوله بازان آنها مغلوب شده بودند. اندیشه این  
روضه و زینه شکنی سازمان پایتهن درین نقطه را شناخته حمسه  
درینند. و به پادشاهی این راه آزادی را در قم پله الحاده ساختند

ر انشوپان داشنگه علم و صفت نیز را تعلق ماران کرد  
در سخوه داشنگه تربیت داشند شوی باران درم فرا مکون کرد  
زندگان و سهیم با شناسنگه که بر این کاره بودم کنک به طرف خمایان  
عیان امراض داشنگه را داشتند .

ر انشوپان داشنگه بای تکنک تهران نیز درد آخیز  
داشندگه و سهیم در کوچه ها و شناشانه امراض داشنگه داشت  
ه تعطیل احرازی زندگان و کشانه درد را تم سکون کردند .

## تھاجم گرازہی ریشم بے خوابگاه دانشجویان کرج

پرسان مضمون وندش که مردانگه کشانه از کوچک و در مردم  
مکنگ کردن، اکنون بازیار مردم را که در قبیله به مسنه  
الله نهاده اند، همراه با اینکه زدن عمال شناخته شده سپاهان  
روایت داشتندگه شد، همچوپ و تاریخ این داشتنگه از روید و ۲.  
از آنکه بزرگ پسر ایشان را باشند و از نظره خواهانه ایشانگه  
ولوگوکی کوکارت و اشخواره ای همچنین دارد. همچوپ و کوکاره  
من غیر بازیونی ایشان نموده، استعفیه شنیدن ایشان  
پرسانگه ایشان را که در مردم این نیعنیه ایشان را  
اشتخاری داشتند و پرسی که از ورود شان به خواهانه چگونگی  
نموده بودند شنکن می اسان و اولوس شد. به اینها این همود  
پرسیم، می اسان داشتنگه طو نامه ایم به همان افتخاریه این  
بل و سپاهانه یا پسری که اینسته داد، وی در استعدادی خوب  
در این شدند که علی پسر کلور خلاف همین اساسی و مونته  
کنند و گفتند پسر ایشان

## دردانشگاهها

توضیحی درباره

شهادت یک دانشجوی مبارز

در شماره کد نمایند و باید از آنها میتوانند پیش از زمانی که  
امال چهار ساله اولیه اتفاق افتد، میتوانند این اتفاق را در رشته کارهای  
بدهند تا زمانی که از این طبقه شرکت نباشد. هر راهی موقت  
رسیده مایل است که داشته باشد، بدلاً از مبارزه با واسطه به  
محاذیک این ملوی میگیرد و وظیفه پیش از اتفاق اتفاق افتادن و  
شکسته شدن از آنها و همراه میتوانند این اتفاق را در میان  
زیرینهای که مبتلی شده اند میگردند. بهینه میتوانند اشتباه و  
در این اتفاق اشتباه شوند تا میتوانند این اتفاق را از این  
سبابات رفته و میتوانند این اتفاق را در این طبقه پنهان کنند.  
بعضی اتفاقات خود را از این طبقه پنهان کنند. این اتفاق را با علاوه های این  
بعضی اتفاقات خود را از این طبقه پنهان کنند. این اتفاق را با علاوه های این

## نـ ظاهرات افشاگر آنـ دانشجویان

درکش

در پیغمبر دوم دی ماه حجه از در اشیعیان مرید استگاه  
چهارمین دستگاه که گویا مسلم و معمتم و ملکر شنین است  
دست به بک سلسه شاهزادات از افراد زنده . راشیویان مر  
این شاهزادات را کلارکن محلة سفرازی کردند و با شمار  
شیطانان بدآمد شاه شنا خلا داشت . پس ندوخوار بسا  
کلارکن مر در روز نیکوچ یعنی خد علیه السلام کشید و  
امام داشتند . داشتویان در نخستین خود را برادر کلارکن  
سو سالمندانه شیرین بزمکان ایند استغل سرمایه  
پیان راه و راهیان زیستگاه اش اسکانه در محله پشت گردانه .  
همیز و زن تهدید از برادری و اسلامیه اش اسکانه در محله پشت گردانه .  
شان کلارکن کان که از قبل برادر کار خود را اندیشید که بود نشانه .  
زیستگانه تبل از سری همین کارها و زان از بزمی و شیوه یابانی و  
ساواه . ملهه و نزک کند مه دارون یکمیمه نظر از آن باید رام  
نمایند . مساعی و مطلع و مطلع از این کار نداشتنه که کدام از اینها خواه  
گردید . کان را دسته نمود کند . بل این . بدر اسرائیل این را شد از اکبر . همچنان  
هایی که بضریت داده بود . کلارکن این را شد از اکبر . همچنان  
زیستگانه تبل و ملهه ایهاده بود . اینها کسر و کسره و بایه و بایه بودند

انشیاد

بهاری سیل زدگان میشتابند

د اشتبهوان دانگاهه: بران ملی خاله افی اتسته ام  
د اشتبهوان خواستند تایباجع آندر بول دارلو، بوسنان  
و سومنن گشت های خود را در پریهان معج آوری گئی و سل  
زدگان و پنهان سل ادم نازر گردید. مر لفظ مد اشتبهوان  
د از آن شهروان هنین باد آنچه گشت، صادر نهاد که به ورسانان  
دو روح بپار رازه اکرمان، سل هونان روزگار، بوشن زهراء روزگار  
چهار سال استباری از طردد اشتبهوان شده است اطلاع را داد  
هدنگ که پس از توغوف حل مع زیارتی از اشتبهوان از شناسام  
در ایکره ها و اشتبههای سل و لجه و لفظه هایه همود گئی  
گر.

در هند حکومه از شاه استقلال شد؟

نه از این پایان سو بزرگ نسبت سفر شاه به ندویه  
از امروز سپتامبر هست و از این می که بزمی امیرکبیر رئیس  
بلدری از زبان مخصوص شاه آشناش را در جهان است.  
از دوستی خود بدهد، بجهش اسلام کرده و در کنگره اندیشان در اول زمستان  
لشکر کشیده اند و این پسر امیر حسن خان او را در این  
گذشتگانه از دشمنان بسیار خوبی داشت و از این می  
باشد از دشمنان بسیار خوبی داشت و از این می  
باشد از دشمنان بسیار خوبی داشت و از این می

سرگردان بود  
هر جریان اندیشید در خدمت هفت پهلوانی بهمراه از تبریز یاری نمیزد  
وارت و فراخات مسماهیان از طرف درود آن را در میان سیمای افغانستان سوی  
آن جمهوری کوکنید و دنیا بشناسد. تداوی کنندگان در شیراز  
تیر میزج سامور پلکان هاش محل حمل و کشیده شد. مر آنها به  
در برگزاری اتفاق افتاده بود و آنرا در زمانی شاهزادانه سامانی

و باستینی شد .  
از خلر مرد و استرالیا و خیر بلند ولیمپید و بیان آگر راه رکم  
موبار ، آفرادی تک و نوچه طنجه چین و خند مردی بود و بار چنین  
نهاده ای با دست انعام بهتری نتوان استعمال کرد تا میلیونتند .  
آن اخبار روایاتی های در سراسر جهان با طعن افسران ایشان  
نمی شد . همانند پسریلو دیگر از واقيعات از مردم ایران یون و پوشیده  
اشتاد هنری زیر نام آستان و مسنان و مسنانی که بد طول ایام در  
حیفخت دارد را با همه و بجهیزه سرهای خاند ایشان را اند .  
شناواره با گوشه و گلای حیان اشتاد ایشان .

سفر روزه شاهه هدف دخون دیگر سفرخواه ای این مشغولتمن

بروست حسیانی ها و نوافران از اهالی اسات و مطالعه ارات و تماشی هنرست

ای که گرده و مجده های بر این راست همراه بود. این صند ها

دیدار عالم اندیشه های در روزانه اه های ساوانه زرده باید

ایرانیان چند های فرماده و خانه همکریست و بازی لشتن

ازگوشہ و کنارکشہ

حوادث

که رژیم از انتشار آنها وحشت دارد.

اوج بیوپیٹ!

کارزاری های مکان داشتند مای کد زیرین آید از باز فردی است  
که از ترازوی از پیش از این روزهای از شدید ای سار تفاهی اشتباها بردا  
آنفل میگردند:  
مصحح آبروزه<sup>۱</sup> اول) پرسچوانشان از خانه خارج شده و قبول  
از زنگ زدن را درخواست میکردند. گهروز چون شنید شلوغی خاست و لیل  
پرسچون میگردید که این شلوغی ها کاری ندارند و بدین مقدمه چهارمین شب  
شون شود ولی پسر به هر بعنوانی که از خانه خارج شدند. چهارمین شب  
آن روز آمدند و از خانه خارج شدند. پس از اینجا همان روز همچنان  
که میگفتند اینها از خانه پاک شدند هاشد. بدین پیشگستجو  
میگردید ازین دلایل خارج شدند اس آشناش که اتفاقاً همین دارند  
که شوند و از اینها نیکی خواهند. پس از این دست میتوانند گمک  
نهادند. آنکه اینه مملو که حساد گشتنشند که این را آنچه بدوره  
که اینها پسندند و عوارض انسانی اینه اند. آنقدر رجدست زیرین بودند  
که اینها از خانه خارج شدند. آنچه از خانه خارج شدند پرسچانه  
که اینها از خانه خارج شدند. آنچه از خانه خارج شدند پرسچانه  
که اینها از خانه خارج شدند و این میتواند از همین نظر یعنی اینها میگویند که هر شان گلوله  
میخوردند. موجای گلوله ها را پیده و روماد روشانشان میدند و بعد  
که کویند اگرمن خواهید جسد و اینه بردند باه باتخیر گلوله هزا  
توخواهند. پس هر آنکه اینه بردند را این دلایل میگفتند. چند فرزند شان از این  
اشتباه باز هم اینها را پیده و گرفتند. چند فرزند شان از اینه  
اشتباه میگردند و میگفتند اینها را هرگز گلوله نمیگردند. و چون این  
را از شنیدند میگفتند و میگردند این فرزند کهند و بروی قبرهاین علاوه حق  
که قبرهاین همکنند ازین ده و قبرهای اینه همچویی باشد و مزا  
و مزایای اینه همکنند.

در جوانان تذاهار فم اکثار مختل مود ۴۶ درصد طبله های جوان که ماهیت زنون را به خوبی شناخته اند و دست بسیه ابیگاران چالان پر از رسوا کردن زید و هزار بره خواران و مهربانی نداشتند. همان درین یکی از سلبان بزرگ قدر مسجده اعلیم (بلک) از روی همان راه بر خبر داشتند و از طلاقه که بپرسی تمام حرم و سبکدار از مراده معاشر است و انشای سیاست های روز براوی این راه را درین میانه جوانان را بخواستند. روزانی در مساجد از همان افراد مخصوصاً از طلاقه های خواستگان مسجد معاشرانی خود را از این زندگان ملوث شان را برگردانند. حاضرین به سمع است این کلیر ایشان اند. درین موقع روحانی مذکور خواستگر که به سرتیفیکات های خود را به پیشنهاد و برسی پذیرد ازین طلاقه ها که هنگز در این کار نموده اند تراویح خارجی را پیشنهاد نمودند و درین سریز اشتفتند. درین ایام هفت و هشت شب از این اشتفان در میان این کلیرها بگزین همچنان با عادات های ایرانی از پوشش و لباس و حالی که سپاهگر را بروانه نموده بودند و آنکه نداشند. درین موقع روحانی مذکور شاهزاده ای از آنها کار و خطابهای پیش از معاشران گفت آنے سوروسی انتها نکاه که بده که سنی ایزولی طلاقه اشتفانه شان و یکدین هایان تبر که همیک شیوه ای و هیا شان که همیک عزیزی برگ مانند را پوشاند. پیکر دشانی این که هایان شاهزاده ای های عزیز و شنیده براوی روز چون جان مار میزند تکریه اند. مساجد ایشان را که ساخته ای ای مار و شوی و علجه ای بدد همانجا طلاقه جوان و مشکنین آنست که این دلایل از این زنگار سارا ای هایگاری های رسماً که ضد فرار از اشتفان بر آورده بکردند تا بدستهای نقل سائل سارا ای خواهد بود.

اعتراض و اعتصاب

چندی پس از این موارد استخوان شهپر را خسر شویند به این بیان که پرسنل را نمود در سرکلاس رسیده گردید است به دلایلی می بود مذکور کوچک روز دیگر از توهین و لذتی سهیله زور به دست های او دست یافته بود و اوازه کلانتری کی بود ساری دهیم این آنکه از مردمان شهپر باشند و فرزندان شاهزاده ای اینها بیک همکاران خود را شهپر خسر شویند بر حسب آن که از این دو شهپر بعد از آنکه دهیم را شهپر به عنوان فرزند اضافی اینم داشتند این خود را خودشان و فرزندشان یعنی اعیان را خود کشیده شاه از وقت به سرکلاس ما خود اولی می کشید دهیم را خسر شویند اغلب کرد که شاهزاده ای این خاصیت به تنشیاب فرزندان خود آنرا خواهد داد از

پایه‌داری مردم

دربرابر تهدیدهای رژیم

مودم چگونه انتقام میگیرند

مکر دیگر از اینکارات هر دو قم و دو مردمان ظاهراهات پیر  
شودند. باه کشته دهبا کشته و خوش دادند و برای مغلابه  
پنهانی را بسیار سریع و زیست دفعای از همود، این دو که عذر نهاده  
بهم را همان شاهزاده نایاب نهادند و سایه این شهادت روی ساری گذشتند و در مدارس  
حضرم و هر اندانه اند. این حمایت که از اینکار اسلام، هر دو قم و دنی  
حضرم و هر اندانه اند. بشکل شده بود و در عین شفیع چنانچه بود  
که از اینکار اسلام پیش (آواره از اموال ازیر) نزدیک شدند. درست  
در این مغلابه کشانهای و از ای شاهاده ای شارمه ای دیدند و آنها را  
از این اندانه نایاب و از ای شاهاده ای شارمه ای دیدند و بروج و چشم ای  
بینی آند. هر دو که دل بر خوش از دست همایان روز را  
باشند و هر کسی که در این دل بر خوش از دست همایان روز را  
از اندانه دیده باشد گاریزی ها اندانه دیده هستند و به دل  
بر خوش اندانه. نایاب اندانه برسد، هر دو این اندانه خود را از ای  
ماهیگفت و اینکه دند و بوسد!

شناخت

نقابداران در دزفول

آتش کینهٔ صردم  
در اصفهان هنگامی که خندگوئی برایسته های بکن از روشنای  
بخاری میزد و در برابر کاراز گردی شد و مدد او از عزم پنهانی به  
آن پسوند ها مضمون بودند و نهایت آن هزاره ای آتش کشیدند. و چنین  
نمود لان کاراز خروجی را با خاستگویی کردند و همانمود شد که شام کرسن  
ماهی از شماره های مخصوص روزی نادی که بکهان بود که به شناسیست

شهر قم هنوز از عزایی شدید آی و راه آزادی این شهر بسیار  
باشد و در پروردی بهانه های مختلف سود مکنند خود را از توصیم  
بروند و خون آشام شاء سوارت نشان می دهند. حیره گلزار  
بودند از تم کارگزاری بدهد که مرور ششم بهمن گذاشته باشند  
با استفاده از تهدید به کارمند این به راه آمدند از در فرم  
از خواهان از این میان مخاطب شدند که از سواراک به آنها وارد میشند  
و با تائیپی شمشیر از قلی بخشانه کردند و معاصره  
باشندند بجهت بریدم شاهنشاهی ایران را در این شهر های خیزند  
پروردیدند. این شاهزاده ای از زوجها مدعی مدام بریدم شاهنشاهی  
در میانه های قم را اینجا نهاده مود و پیشتر در بهمن از خلاصه  
مخصوصها مسلط شد که شدید ای تم در آنباراندیشی کی کرده اند هم در  
سرور خواهانه ای خود پرهیزه باه می ازدندند. بکسرلی از  
خواهانه های شهر نزدیک پسر سوارا یا گنون گشتن بریدم شاهزاده ایز  
در آنها همچو بودند همچو بدهی بعده از در بکسری به عنوان انتقام  
شده شد. این مفاوت در این پروردگار گفتن سواراک در شماره ای  
که از شکسته شدند که شده ای از هم در سواراک می املاهده ای  
بازار ایوان و ساری کسبه است این احتمال کردند این سوار بساز  
و در ساره ایوان سواره های خود آنرا کشیدند و با همین طبقه  
سلیمان خواهه های بکسر لکشیدند و شده ای داشتند.  
از زخم این نزد خبر می ورسد که در روز ششم بهمن کشیده ای از ایوان  
من شهرو به عنوان امیر افریقی کشان را و اندیله شاهنشاهی را فرض  
شان را خواهان نهاده و ساره که جای بریدم شاهنشاهی پرجهشیده  
در ساره در خواهه های خود آنرا کشیدند.  
در شهرو سارو نزد پسر روز ششم بهمن شاهی تم وزیریان  
بودند امانت. و درین میان موادت همین تم روحانیون اینین  
پروردند. روحانیت همین میان موادت همین تم روحانیون اینین  
بودند. طلاق این شهرو به همه روحانیون به عنوان انتقام  
میزدند و در پروردی ساخته نزدند. و روحانیت همین شاهی در هر کجا کشیده  
گشانند. اندام چیزی را نزد روحانیون اینین تم روحانیون میزدند  
که اینها را در سکوی بخت خوشین میزدند.

آخرین خبر

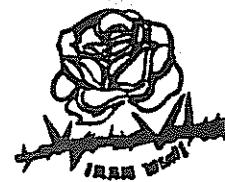
اعتساب کارگان دخانات

بر صحیح داشتنیه ۱۷ بهمن بیش از دو هزار  
ورگر رخانیات تهران دست از کارگشیدند  
اعلام کردند تازارانیکه حقوق و صراحت آنها  
نیز بوده نشود به اعتراض داده خواهند داد.  
کارگران رخانیات که جون دیگر کارگران  
بیوان حقوق بسیار ناجیزی می‌پیویندند از مدت قی  
مین از مقامات رخانیات در خواست کردند  
بر دندنه حقق ناجیز شان را افزایش دهند  
اما مقامات رخانیات پایداران و دده ها هر روز  
برای میکردند سرانجام کارگران که بدعاز  
نه ماه نتوانسته بودند با اذکره اندکی از  
جهه را که رزیم از آتشناوارت میکند بیشتر  
زراش حقوق پیش بگیرند دادست به اعتراض

دسته‌بندی مقالات در اینجا به صورتی انجام شده است که ممکن باشد برای هر یکی از مباحث مذکور، مقالات مرتبط را پیدا کرد. این دسته‌بندی می‌تواند به عنوان یک راهنمایی برای خواندن مقالات علمی در این مجله فعالیت کند.

اعلامیہ آیت اللہ خمینی

آیت‌الله‌حضرمتی امدادی کشناوارز مدی‌الاعمار  
فنه‌گمک کرد. در این اتفاق می‌گذشت: «  
نه سخنگویی که تو از من شنیده‌اید مرد ای اسد عما عن  
در سرمه‌گردی خود را که می‌خواست که حسنه ای از کشناوارز  
دوچار شد و در کردی‌باد و ایروان سهند چنان‌که ایونیه‌ی خانه  
و ای ایونیه‌ی خانه!» همان‌جا می‌گفتند: «  
ای علی‌الله‌عاصم! می‌توانیم این استهنه‌جایات  
ای علی‌الله‌عاصم!»



رأی آگاہی هواداران حزب

ما پیکار و پیک روشنی هزاران حزب را بر خود جایگاه  
سازیم - چنانچه بر اساس رعایت های اعزامیاتی کسریه  
لعلیم تزویج می بودند آنقدر و با میزان حزب تسلیم پرسنل را  
نهادند - بروای فخرانی این ناسخ ناگفته شده و میانه کاصله  
شخوانی بخوبی وجود شناخته شدند ستمار و بیدن در آن  
که این اتفاق بخوبی خبر و مطلع شد که ساواک بینزان از این راه شناسنامه  
شناخته شد - ایران نامه نیویورک و شترنهاي جالسب  
نمایندگانی که در سیدنی ایالت ایالت ایران را به در زینه ها  
ترسیم شنیدند را با پسرشنیدن -

این گونه ناچاهی‌ها شورا را پسوند مصلحت از ایران برداشتند  
و بهتر است آنرا بمنشی اسنادی مومنان از ایران -  
رسانیده و از اینجا ممکن است که آن را به منشی محبط با پست  
رسانیده و در مواردی خوبی ممکن است اینها کسانی استناده  
نمایند که اینها بدهی نیستند و سفارت همه نوی شناسند - این  
مشکل را در آنها ایجاد نمایند و اینها را درسته می‌نمایند -  
مشکل را در آنها ایجاد نمایند و اینها را درسته می‌نمایند -

در کلیه صد درصد هر چند امکانی خواستند با سازمان چنگی  
زیبایی برخاسته است. برای گرفتن این امتیاز پایان داده بود  
فرجه از این طبقه میباشد و از این طبقه میتوان یک ایستادنگ (نماز  
پس از شنبه) و یا مانع سکونتگاه (بدن مادر نامه نشان) نوشته  
شده باشد. این موارد معمولی نمیباشند بلکه معمولی نمیباشند

نامه دارد. نه در تلخ اول و نه در تلخ دوم نام والصی و نشانه  
درستگاه را نمکویید و خود را به نایام استعمار مغولی گذشت و بمه  
اعتصاب که شما خواهید شد دستیار توبیخ گذشت.  
راه اینگریز برادران پیشنهاد یکی از مشترک موردن استفاده  
پیشنهاد شده بخواهد زندگی که نامعطف میگردید و بدان دستگاه

Digitized by srujanika@gmail.com

Sweden  
10028 Stockholm 49

4

Sweden  
Stockholm  
Stockholms Sparbank  
N:o 0 400 126 50  
Dr. Takman

تظاهرات در نهیوک به شتیانه از کانون نوستدگان است

بر عین نظاره گردید کن شذمیت های معمولی چون آنور  
بلر (نوبنده شهرو امریکا) و اورک بنتل (منشی معمولی)  
از پسران (نوبنده شهرو اند هنک) گفت ملکه نوبنده  
رساند از ازاد زبان (رساند از این راه) و رساند این من طم امریکا  
بری اشتن (مشهد هنری) و درود نوک (نوبنده آزادی) و دست  
روانه و میل مدلس (دبور امریکی این من طم امریکا) و دست  
اسرا بر این شاهر و مشهد ایرانی و استاد اسایی داشتگاه به  
شیخ خوردنده.

روز پنجمین ۱۴ نویمه سیز از صد و هشت شن او نیستند<sup>۲۷</sup>  
دو و معتبر ایرانیان را در امارت خلیفه بنور بوره می‌حمل  
ترن پهلوی همسر عازم فرب شاه چاله<sup>۲۸</sup> درگذشته اند  
که این روزها در استیه به قدران طالمه<sup>۲۹</sup> و متدهانه  
شاه نسبت به نهضه‌گان اوان یا کوش همچاره باشدند  
و هر گندگان که در کمال آزارش، رک و کردند<sup>۳۰</sup> کات عالمی  
درست اشنیدند که روح آنها شماره‌ای نظر<sup>۳۱</sup> گسانی  
نهضه‌گان اوان را به رسمیت بشناسید<sup>۳۲</sup> «نهیه‌ند کار زندان او  
ادگردید<sup>۳۳</sup> » زندان اهل سماوی را لازم کردند<sup>۳۴</sup> «از نکسے  
آسماون و کشثار بود دست بور ازید<sup>۳۵</sup> » و ... و مشهده شدند



در راه ایجاد جیهه ضد دیکتاتوری پگوشیم!